

ریشه یابی کاربرد هندسه در تزئین و معماری اسلامی

هدیه قائم سیگارچیان^{1*}، سمیه ورزنده²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات تهران،
hedyeh_ghaem@yahoo.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات تهران،
somayeh.varzandeh@yahoo.com

چکیده

از چین تا شمال آفریقا هنر و معماری اسلامی با وجود گوناگونی‌های نژادی، فرهنگی، اقلیمی و... در سرتاسر قلمرو اسلامی، همواره دارای وجوه مشترکی است که خود را از دیگر هنرها جدا می‌کند. با وجود تمام تفاوت‌های میان هنرهای سرزمین‌های اسلامی روحی مشترک در تمامی آنها حضور دارد، گویی نوری ملکوتی در تمامی آنها جریان دارد و جلوه‌ای متمایز به آن می‌بخشد. یکی از بارزترین جنبه‌های هنر مسلمانان هندسه است. از اوزان شعر گرفته تا معماری، موسیقی، نگارگری و خوشنویسی همواره اصول ریاضی و هندسه بر آثار هنرمندان چیره دست اسلامی سیطره داشته است. مقاله حاضر بر آن است تا به ریشه‌های حضور قدرتمند این علم در هنر مسلمانان خصوصاً معماری و نقوش تزئینی اسلامی بپردازد و پیوند آن با روح، فلسفه و عرفان اسلامی را بررسی کند. در این راستا از اصول اعتقادی جهان بینی اسلامی، مبانی ورود فلسفه به اسلام آغاز می‌کنیم و به بررسی معنای هنر و معماری در فرهنگ اسلامی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: هندسه، اسلام، فلسفه، عرفان، علم.

1- مقدمه

هنر هر ملتی آینه تمایلات فرهنگی آن است. هر ملتی آرزوها و اعتقادات خود را با هنر خود به نمایش می‌گذارد. این که هندسه بارزترین ویژگی هنر مسلمانان می‌باشد و نقوش هندسی در همه جای دنیا نماد اسلام و فرهنگ اسلامی است را نمی‌توان انکار کرد. این امر را می‌توان به بازتاب میل به انتزاع هندسی و گریز از طبیعت در جهان بینی اسلامی نسبت داد. تفکری که پایه و اساس آن بر پایه قرآن و سنت است. به راستی مسلمانانی که از هنر رئال پرهیز می‌کردند و به عالم خیال و تجرد هندسی و ریاضی پناه می‌بردند، به دنبال غایتی در این عالم بودند که در دنیای مادی پیش چشمشان نمی‌یافتند. در این رابطه پیش از هر چیز باید جایگاه هنر به عنوان مخلوق انسان را در نسبت مستقیم با نوع نگاه دین به او و جایگاهش در این جهان قرار داد. این که هدف نهایی انسان بر روی زمین چیست، سمت و سوی اعمال او را تعیین می‌کند. در این راستا ابتدا به آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام که پایه و اساس فرهنگ اسلامی است رجوع شده، سپس به بررسی گفته‌ها و آرای بزرگان، عرفاء و متفکران اسلامی پرداخته می‌شود. شکوفایی عرفان و فلسفه را ملازم رشد هنر در نظر گرفته و رابطه آثار دوره اسلامی و این نظریات را بیان می‌شود، تا بدین سان اصول و غایت یک هنرمند مسلمان را دریافته شود. همچنین از تأثیرات